

شنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۹  
۱۴۱ ربيع الثانی ۱۴۴۲  
۳۱ آبان ۱۳۹۹ شماره ۹۲۷  
ZENDegi@QUDSONLINE.IR

چه خبر؟

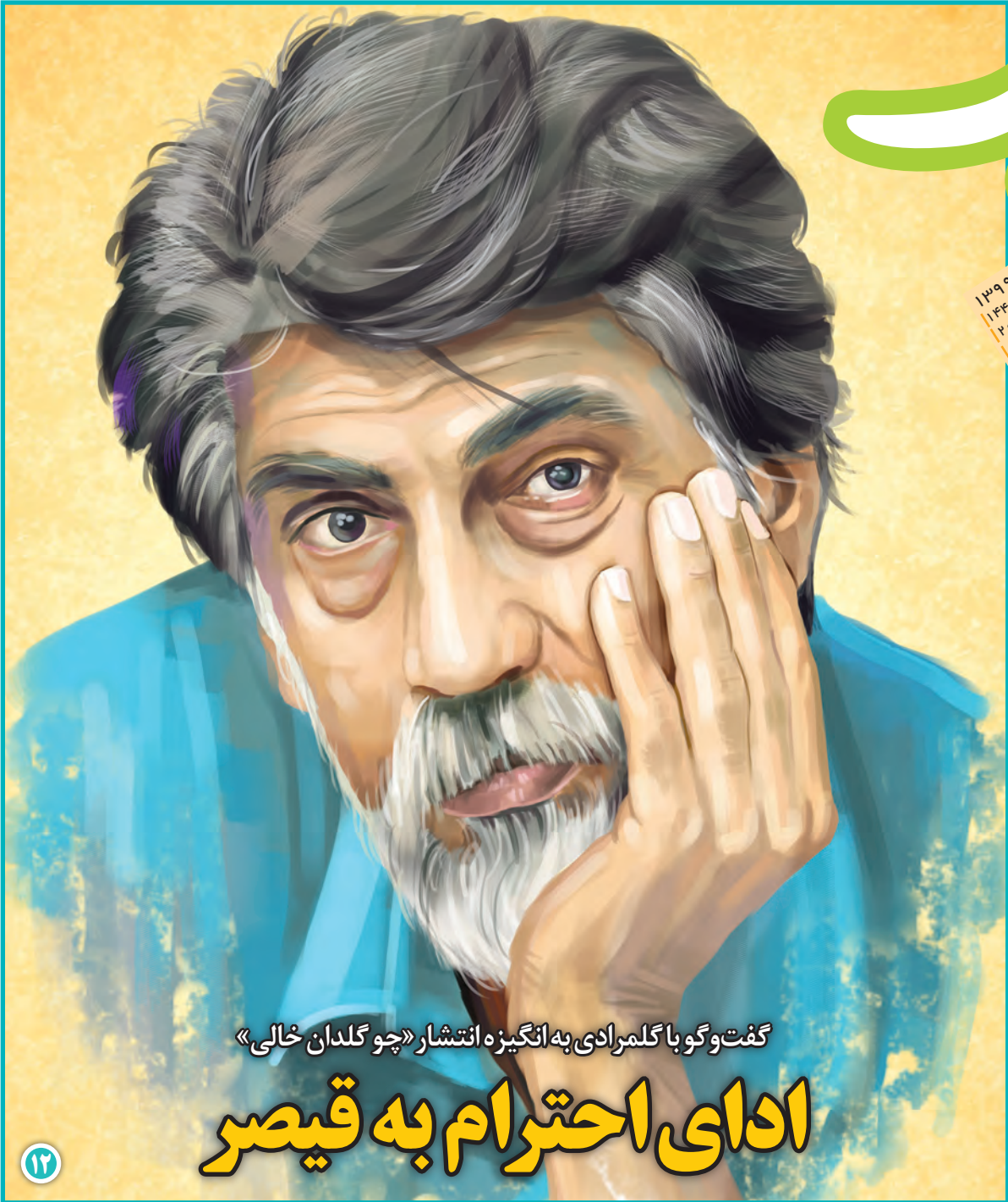
میرن آداما...



**قدس زندگی:** خبر درگذشت مرحوم اکبری در اثر ابتلا به کرونا که دو روز پیش در رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر شد، موجب شد کاربران فضای مجازی یکبار دیگر بازی‌های به یادماندنی این بازیگر را مرور کنند. برخی از هنرمندان هم دلنوشته‌هایی را در پی درگذشت رفیق قدیمی و همکارشان منتشر کردند؛ از جمله پرویز پرستویی که نوشته بود: «بنده افتخار همکاری با کریم عزیز در چندین نمایش نامه در گروه تئاتر کوچ و همکاری در اداره تئاتر را داشتم. کریم یک انسان به معنی واقعی کلمه بود. مرد همیشه مهربان، هنرمند خالص، هنرمند آرام و بی‌ادعا و بدون حاشیه، مرد سکوت و سکوت. همین امروز داشتم بهش فکر می‌کردم. عجب رسمیه رسم زومنه، میرن آداما از اونا فقط، خاطر هاشون به‌جا می‌مونه». اما یکی از جالب‌ترین مطالبی که به صورت گسترده در فضای مجازی بازنشر شد و کاربران استقبال زیادی از آن به عمل آوردند، انتشار بخش‌هایی از مصاحبه کمتر شنیده شده مرحوم اکبری درباره حس و حال بازی در نقش این ملجم بود. مرحوم اکبری در بخشی از این مصاحبه می‌گوید: «فیلم برداری این سریال و قسمت ضربت خوردن امام علی(ع) در ماه رمضان بود و من در خانه قلم‌پوش بودم که آقای میرباقری به من گفت کریم می‌خواهم ضربت خوردن را برای شب نوزدهم بگذارم تا در آن حس قرار بگیرم. گفتیم به قرآن اگر در آن شب بتوانم بازی کنم، دیوانه می‌شوم. گفت شوخی کردم و خندیدم و رفت. فیلم برداری فاصله‌ای که من حمله می‌کنم تا جایی که ضربه می‌زنم دو ماه طول کشید». او در ادامه از اردتش به حضرت علی و حس و حال لحظه اجرای این صحنه صحبت می‌کند و می‌گوید: پس قرار بود من نقش شستی‌ترین فرد تاریخ را بازی کنم. خیلی سخت بود. آقای میرباقری و آقای شریفی نیا خیلی به من کمک کردند. خدا را گواه می‌گیرم از سه شب پیش از اینکه اولین سکانس ضربت‌زدن را شروع کنیم خواب نداشتیم و می‌ترسیدم.»

## ترجمه آثار دینی فارسی با استقبال روبه‌رو خواهد شد

«مجید ملامحمدی» از تجربه‌های داستان‌نویسی‌اش درباره حضرت محمد ﷺ می‌گوید



گفت و گو با گلمرادی به انگیزه انتشار «چو گلدان خالی»

## ادای احترام به قیصر

فرج: کلام غیرضما

### ورزش

باز شدن پنجره استقلال با دست‌های خالی

## پول‌هایی که باید خرج زیر ساخت‌ها می‌شد

یحیی به دنبال جذب مدافع و مهاجم جدید

### «آل کثیر»

## از لیست خط می‌خورد؟!



آخرین تحولات در شهر خودرو از زبان محمد نوازی

## فرجی نمی‌رود مسلمان نمی‌آید

### مجاز آباد

#### هشتمین تندیس



پرویز پرستویی با انتشار تصویری در کنار وزیر بهداشت نوشت: «در آستانه حماسه ۹ آبان و سالروز اولین شکست عراق در کوی ذوالفقاری آبان، هشتمین تندیس جایزه خودجوش و مردمی قهرمانان گمنام (یادبود شهید دریاقلی سورانی) از سوی هنرمندان و جانبازان و مردم آبان به تمامی مدافعان و شهیدای سلامت کشور و خانواده‌های محترمشان و به نیابت از آنان، به وزارت بهداشت کشور اهدا گردید. در این جلسه که بخاطر مسائل دوران کرونا بصورت بسیار محدود در سالن وزارت بهداشت برگزار شد، هماهنگی‌های بسیار خوبی برای استفاده از تجربه و مشارکت هنرمندان و نیز زرمندگان در کمک به مدافعان سلامت مورد بحث و بررسی قرار گرفت.»

#### موزه‌ای از مجسمه‌های انسان!



شاید باورتان نشود اما در فرانسه موزه‌ای با عنوان «موزه انسان» وجود دارد که در آن بیش از ۱۸ هزار مجسمه واقعی انسان به نمایش گذاشته شده است! این ۱۸ هزار مجسمه متعلق به انسان‌هایی است که در مناطق تحت اشغال فرانسه، توسط نظامیان این کشور به قتل رسانده‌اند. رضا پورحسین، قائم مقام معاون سیمای رسانه ملی با اشاره به این ماجرا در زمینه حواشی مربوط به توهین فرانسه به اسلام در توئیتر نوشت: «ویدئویی دیدم از یک موزه در فرانسه که در آن ۱۸ هزار مجسمه مبارزان الجزایری نگهداری می‌شود! سابقه این گونه کشورها همین است؛ برده‌داری، تجاوز، اشغال، کشتار و البته ویران‌ترین امروز آن‌ها با بز آزادی و حقوق بشر خیلی جالبه!»

#### این مقایسه به آمریکا اعتبار نمی‌بخشد



همزمان با نزدیک شدن به انتخابات آمریکا، بحث‌هایی درباره تفاوت‌های اقتصاد ایران و ایالات متحده در فضای مجازی داغ شده است. امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل سیاسی در زمینه این مقایسه‌ها در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «تا از وضعیت بد اقتصادی یا اجتماعی آمریکا انتقاد می‌شود، گروهی، آمریکا را با ایران مقایسه می‌کنند. ایران کشوری در حال توسعه و زیر شدیدترین تحریم‌های تاریخ است و آمریکا قدرتمندترین اقتصاد و ارتش جهان را دارد. مقایسه آمریکا با ایران، به آمریکا اعتبار نمی‌بخشد.»

#### چه می‌کردیم؟



همزمان با اعلام نتایج کنکور، مالک شرعی، نماینده مجلس که یکی از مخالفان طرح تعویق آزمون سراسری به حساب می‌آمد، درباره تصمیمات ستاد ملی مبارزه با کرونا در توئیتر نوشت: «گر ستاد ملی مبارزه با کرونا دو ماه پیش تسلیم خواسته برخی داولطلبان و حمایت دلسوزانه چند نماینده از آن‌ها شده و کنکور سراسری را به پاییز موکول می‌کرد، امروز با افزایش بیش از ۱۰۰ درصد مبتلایان و فوتی‌ها چه می‌کردیم؟» وی همچنین افزود: «همچنان به روش اطلاع‌رسانی و عدم قطعیت تصمیمات ستاد مبارزه با کرونا در آن زمان منتقدم.»

#### ماموستا «ملاحیدر فهیم» را چقدر می‌شناسیم؟

## آرزوی سوم



**امجد تربت‌زاده:** چند نفر از من و شما، حتی آن‌هایی که اهل سفر و گردشگری هستیم، ممکن است تا امروز نام «آویهننگ» به گوشمان خورده باشد؟ حدود ۶۰ کیلومتر که از سمنج پروید به غرب و به سمت مریوان، روستای خیلی قشنگی را می‌بینید که در محاصره کوه‌ها، وسط دره‌ای نه چندان پهناور، هر مسافر و بیننده‌ای را به خودش جذب می‌کند. فقط صحبت چشم‌انداز کم‌نظیر کوهستانی، رودخانه‌های پرآب، جنگل‌های بلوط و باغ‌های سرسبز نیست. آویهننگ، گیاهان دارویی معروفی هم دارد و البته کوه «سنگ سرخ» که شاید از زیباترین مناظر استان کردستان باشد.

#### مردمداری

حرف زدن از قابلیت‌های کمتر گفته شده این روستا، به همین‌ها ختم نمی‌شود. بدون شک وقتی نامش را شنیدید باشید، این را هم خبر ندارید که روستایی با این همه زیبایی و دارایی، مسجد بسیار معروفی هم دارد که از آثار دوره قاجار است و در فهرست آثار ملی نیز ثبت شده است. مسجدی که البته مدرسه دینی روستا هم بوده است. به جز همه این‌ها، روستای آویهننگ، شهید سرشناسی هم دارد که شاید کمتر در موردش شنیده یا خوانده باشید. در این روزهای وحدتی و بیوند دوباره قلبی و دینی میان هموطنان شیعه و سنی، یادی کنیم از ماموستا «ملاحیدر فهیم» که مردم روستای ۲ هزار نفری آویهننگ خوب به یاد دارند خانه‌اش پناهگاه همیشگی مردم بود و خودش حلال مشکلات آن‌ها. شاید هنوز هم متوجه نباشید داریم درباره روحانی و عالمی از اهل سنت حرف می‌زنیم که زندگی و دانسته‌هایش فقط به درس و مدرسه و موظفه دینی خلاصه نمی‌شد. «ملاحیدر» از خود مردم بود و کنار آن‌ها مثل خودش زندگی و کار و تلاش می‌کرد. جایگاه روحانیتش هم سبب شده بود در خانه‌اش شبانه‌روز به روی مردم باز باشد و هیچ مشکلداری با دست خالی و یا ناامید از خانه او برنگردد.

#### همه آرزوهای من

سال ۱۳۸۱، خدا او را به ملا نظام‌الدین فهیم و همسرش «نورجهان» داد. به جز شش‌گرتی پهای درس‌های پدر، سال‌ها شاگرد روحانیون سرشناسی چون ملاعبدالله کانی، ملاعبدالله مهابادی، ملاعبدالعظیم مجتهد و ملاحیج‌الله روحانی کاشتری بود. مدتی هم برای ادامه تحصیلات دینی به اربیل عراق رفت و برای همین به زبان عربی هم به طور کامل تسلط داشت. در سال ۱۳۱۲ از ملاحیج روحانی اجازه افتا گرفت و شد روحانی و امام جماعت مردم منطقه «کرجو» از توابع سمنج. البته «ملاحیدر» به جز تدریس و آموزش جوانان و همچنین رسیدگی به مسائل و مشکلات دینی مردم، باغدار بسیار خوبی هم بود و به قول آن‌هایی که او را می‌شناختند باغبانی و باغباری‌اش هم دقیقاً به خوبی ماموستا بودنش بود. «ملا سید اشرف حسامی» که از شاگردان ملاحیدر است درباره‌اش می‌گوید: «ملاحیدر گاه و بیگاه که در جمع دوستان حرف می‌زد می‌گفت در زندگی‌ام سه آرزو داشتم. اول اینکه

#### روشنگری

کمتر کسی فکر می‌کرد بینش و بصیرت «ملاحیدر» روزی مثل مردم‌داری و روحیه صلح‌طلبی‌اش، دلیلی شود برای دشمنی برخی‌ها. مردی که به قول شاگردانش «مراتب کمال و صفات عالیه علمی و اخلاقی را طی کرده و انسانی واقعاً فهیم، فاضل، فقیه، اهل مطالعه و تحقیق، متدین صالح، با شرافت و مناعت طبع بوده و با کشاورزی و باغداری امرار معاش می‌کرد» کم کم به خار چشم احزاب ضد ملی و میهنی تبدیل شد. بیشتر از ۵۰ سال با همین سبک و سبیلی که گفتیم، هوای دین و دنیای

لباس روحانیت و خدمت به دین و شریعت محمدی را تن کنیم. زیارت خانه خدا را هم خیلی مشتاقش بودم که بمالدله در میانسالی نصیبم شد از آرزوی سوم هم...» آرزوی سوم را البته اجازه بدهید در ادامه مطلب بگوییم.

#### انقلاب سیاه

زندگی و تبلیغ در روستایی دور افتاده، آن هم در استان کردستان با آن همه محرومیت، دلیل نمی‌شد «ملاحیدر» از وضعیت اجتماعی و سیاسی ایران آن روزها دور بماند. انگار که مردم روستای ۲ هزار نفری آویهننگ خوب به یاد دارند خانه‌اش پناهگاه همیشگی مردم بود و خودش حلال مشکلات آن‌ها. شاید هنوز هم متوجه نباشید داریم درباره روحانی و عالمی از اهل سنت حرف می‌زنیم که زندگی و دانسته‌هایش فقط به درس و مدرسه و موظفه دینی خلاصه نمی‌شد. «ملاحیدر» از خود مردم بود و کنار آن‌ها مثل خودش زندگی و کار و تلاش می‌کرد. جایگاه روحانیتش هم سبب شده بود در خانه‌اش شبانه‌روز به روی مردم باز باشد و هیچ مشکلداری با دست خالی و یا ناامید از خانه او برنگردد.

#### این مورد را اشتباه می‌کرد

«...سومین آرزویم شهادت در راه خداست که فکر می‌کنم این آرزو را به گور ببرم». «ملاحیدر» درباره آرزوی سومش اشتباه کرده بود. ۲۴ مهر ۱۳۴۲، مصادف با عاشورا، ضد انقلاب حمله می‌کند و شبانه درگیری سختی در روستای «آویهننگ» درمی‌گیرد. تعداد زیادی از مردم بومی و مدافعان غیربومی هم را که مردم روستای محروم، دانشمند و فعالیت‌های ۸۱ ساله را نیز به اسارت می‌گیرد و با خود می‌برد. اسارت تا ۱۴ روز بعد ادامه پیدا می‌کند و شاه‌آباد ماجرا، پنج سال پیش در شب خاطره‌ای که برای بزرگداشت «ملاحیدر» توسط حوزه هنری کردستان برگزار شد، گفتند او شکنجه می‌شود و توهین می‌شود اما حاضر نمی‌شود به اسام(ره) و انقلاب توهین کند. آن هم در شرایطی که به جز شکنجه، با پای پیاده او را از کوهستان‌های صعب‌العبور مناطق کلاترزان به سمت دیواندره برده بودند. خاطره‌گوی آن شب این راه هم گفت که «شرط کردند اگر توهین کند، آژانس می‌کنند... ملاحیدر اما فقط از آن‌ها خواست اجازه بدهند دو رکعت نماز بخواند... نمازش را خواند...».









## در حوالی شعر

annotation@qudsonline.ir

آرش شفاعی، شاعر و روزنامه‌نگار

## چرا جایزه شعر خبرنگاران

### به یک برند ادبی بدل شده است؟

چهارهمین دوره جایزه کتاب شعر ایران به انتخاب خبرنگاران همین چند روز پیش با انتخاب کتاب «هفتاد کشیش یخی» اثر زنده‌یاد علی نجفی به کار خود پایان داد.

این جایزه در حقیقت ۱۱سال پس از درگذشت این شاعر جوان نیشابوری، نام او را دوباره زنده کرد و به بسیاری از دوستداران شعر که از نام و شعرهای آن شاعر فقید اطلاعی نداشتند، این نام و شعرهای زنده، جنونمند و پرخون او را یادآوری و پیشنهاد کرد. جایزه شعر خبرنگاران پیش‌ترها هم در انتخاب‌های خود برخلاف اغلب جایزه‌های ادبی که سعی می‌کنند نام‌های آشنا را دوباره مطرح کنند و یا پا را از حد و حدود روابط رفاقتی و گروهی بیرون نگذارند، کسانی را مطرح کرده بود که در جریان‌های مسلط رسانه‌ای و ادبی کشور جایی و پناهی نداشتند، اما شعرهایشان استخوان‌دار و جاندار بود.

نمونه برجسته‌ست این انتخاب، مطرح کردن نام زنده‌یاد غلامرضا بروسان بود که با کتابی که خود او در تیراژی محدود منتشر کرده بود، به یک شاعر نام‌آشنا و درخشان بدل شد، اگرچه بازی روزگار و دست‌ اجل اجازه نداد که ما خواننده شعرهای بیشتری از او باشیم. همان قدر که از او شعری به جای مانده است، برای درخشش و ماندگاری نام عزیزش در شعر معاصر ما کافی است. جایزه شعر خبرنگاران امروز پس از ۱۴ دور برگزاری و به لطف پیگیری و استقامت دبیرانش محمدهاشم اکبریانی و علیرضا بهرامی به یک برند ادبی بدل شده است.

شاعران برای کسب عنوان برگزیده این جایزه وارد رقابتی جدی می‌شوند و شاعران پیشکسوت و جوان هر سال چشم به برگزیدگان این جایزه دارند، اما به راستی چرا این جایزه که نه امکانات مادی قابل‌توجهی و نه دم و دستگاه و دبیرخانه و کارمند و دفتر و دستک دارد، توانسته است به یک برند ادبی بدل شود، اما بسیاری از جوایز ادبی دیگر با وجود داشتن امکانات بیشتر، نتوانستند به چنین توفیقی دست یابند؟

شاید بخشی از این دلایل به مقاومت و ایستادگی دبیران و عوامل اجرایی این جایزه برای ماندگاری نام جایزه برگردد. دبیر ، اعضای هیئت‌دوران و دیگر دست‌اندرکاران این جایزه در بخش‌های اجرایی، تبلیغات و مانند آن؛ بدون اینکه چشمداشتی به دستمزد، حقوق و حق جلسه داشته باشند، تنها به دلیل عشقی که به شعر و انتخاب حرفه‌ای شاعران خبرنگار دارند، در این جایزه شعری همکاری می‌کنند. در صورتی که در بسیاری از جایزه‌ها و رویدادهای ادبی دیگر تا زمانی که نسبت میان داوران و دستمزدشان روشن نشود و حتی نحوه و چگونگی انتخاب دیگر داوران روشن نشده باشد، دآوری در کار نخواهد بود.

خود من که هم به عنوان داور و هم به عنوان نامزد نهایی در این جایزه در دوره‌های حضور داشته‌ام، جلسات دآوری پیش از انتخاب نهایی آثار را به خاطر دارم. بحث‌های جدی، طولانی و دفاع از برگزیدگان و نمرات در شب‌های دآوری نهایی چنان جذاب و همراه با تعصب به کار بود که دوست داشتم یک روز کسی فیلمی مستند از پشت صحنه انتخاب آثار در این جایزه تولید می‌کرد تا بفهمیم داوران و دست‌اندرکاران جایزه در دوره‌های مختلف چقدر به کار خود ایمان و تعصب داشته‌اند، آن هم در وضعیتی که می‌دانسته‌اند قرار نیست برای دآوری آثار ریالی دستمزد بگیرند. چیزی که خیلی از رویدادهای ادبی کشور ندارند، همین عشق و ایمان به نتیجه کار است.

## خبر

«مجید ملامحمدی» از تجربه‌های داستان‌نویسی‌اش درباره حضرت محمد ﷺ می‌گوید

# ترجمه آثار دینی فارسی با استقبال روبه‌رو خواهد شد

**ادب و هنر** صدیق‌ه رضوانی‌نیا | «مجید ملامحمدی» را بیشتر باید شاعر و نویسنده کتاب کودک و نوجوان دانست. از او تا کنون ده‌ها کتاب برای این گروه سنی منتشر شده است.



ساکن شهر قم است.

وی سال ۴۷ در خانواده‌ای روحانی در قم متولد شد، پدرش آیت‌الله محمدمحمدی‌اشتهرادی از نویسندگان برجسته حوزه علمیه قم بود، به همین دلیل از کودکی با کتاب مانوس شد و از سال ۶۹ به‌طور جدی کار در زمینه ادبیات کودک و نوجوان را در مطبوعات آغاز کرد.

وی تاکنون حدود ۵۰ کتاب تألیف کرده است که برخی از آن‌ها در جشنواره‌ها حائز رتبه شده‌اند.داستان‌هایی از زندگی حضرت محمد(ص)، روزگار عمار، مجموعه ۲۴ جلدی «سرگذشت پیامبران»، ۲۶۵ قسه از حضرت محمد(ص)، مهربان‌ترین، ماه غریب من، رضا جان خوش‌امدی،قسه‌های مهربانی از امام‌رضاع)،مرفغی‌های مهربان و… از جمله آثار این نویسنده هستند. کتاب‌های ملامحمدی در جشنواره‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کتاب سال ولایت، بنیاد دفاع‌مقدس، مهدویت، حوزه علمیه قم و اشراق، بوپک و سلام بچه‌ها، برگزیده شده است.

وی با مجلات کودک و نوجوان مانند سروش، نوجوان، باران، مجلات رشد، دوست، کیهان بچه‌ها و… همکاری زیادی دارد. همچنین داور جشنواره‌های کتاب سال کشوری هم در چند دوره بوده است.

در آستانه میلاد مبارک حضرت رسول(ص) گفت‌وگوی ما را با این نویسنده که درباره زندگی پیامبر مهربانی‌ها آثار زیادی دارد، بخوانید.

### ♦ شما جزو نویسندگانی هستید که آثار زیادی درباره زندگی پیامبراکرم(ص) برای مخاطب کودک و نوجوان نوشته‌اید. درباره این علاقه‌مندی توضیح دهید.

همان‌طور که در قرآن کریم آمده است، ایشان برای ما اسوه حسنه‌ای محسوب می‌شوند و نشانه این است که در هر زمینه و برای هر سنین در آداب، اخلاق، رفتار و همه ویژگی‌های لازم برای زندگی بشریت می‌تواند الگو باشد. دستورالعمل‌های زیادی برای ما چه در مورد سبک زندگی و چه در مورد اخلاق، معاشرت، رفتار اسلامی و همه گزینه‌هایی که انسان‌ها، به‌خصوص بچه‌ها را از سنین پایین به مسیر راست هدایت کرده و آن‌ها را سادتمند می‌کند، تنها در شخصیت پرافتخار و منحصر به‌فرد رسول خدا که رحمت جهانیان است، جمع شده است. در آثاری که من نوشته‌ام به قسمت‌های مختلف زندگی ایشان پرداخته و بیشتر درباره زندگی، پندهای اخلاقی و سبک زندگی پیامبر(ص) برای کودک و نوجوان کار کردم. در زمینه خردسال هم کارهای زیادی انجام شده است.

### ♦ حتماً این آثار را هم رصد کرده‌اید. درباره آثاری که با محوریت حضرت‌محمد(ص) نوشته شده است، چه نظری دارید؟

سیریه چهارده معصوم(ع) یکی از بخش‌هایی است که کارهای خوب و فاخری در آن زمینه تولید شده که بخشی از آن به پیامبراکرم(ص)



## روایت

### داستانی از صحابه پیامبراکرمﷺ در «روزگار عمار»

داستان بلند «روزگار عمار» نوشته‌شته مجید ملامحمدی به تازگی توسط انتشارات کتاب چمرکان منتشر و راهی بازار نشر شده است.

این کتاب با هدف معرفی الگوهای عملی یاران انمه‌اطهار(ع) برای نوجوانان و جوانان به چاپ رسیده و انتشارش با هدف معرفی یاران و اصحاب‌انمه(ع) به عنوان الگوهای ملموس دینی انجام شده است.

عمار یاسر، صحابه پیامبراکرم (ص) و امیرالمؤمنین(ع) بوده که در زمان زندگی‌اش در دوران پیامبر(ص) به عنوان یکی از شاخص‌های شناخت حق از باطل معرفی شد. کتاب مربوط به عمار یاسر، پس از کتاب‌های

اختصاص دارد. البته همه کارها را ندیده‌ام، اما گاهی‌وقتها آثاری را در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های کتاب خوانده و دیده‌ام. آثار خوبی درباره پیامبراکرم(ص) تألیف شده است؛ هر چند این آثار نسبت به جمعیت کودک و نوجوان ما کافی نیست. در بخش زمان، آثار خوبی تولید شده‌اند؛ نویسندگانی مثل نفی سلیمانی، جعفر ابراهیمی‌شاهد، محمود پروهاب، فریا کلهر و نویسندگان دیگر آثار خوبی دارند.

به‌طور کلی در‌ساره زندگی پیامبراکرم(ص) کارهای مختلف با سوزها و بخش‌های متنوعی تولید شده است، اما حجم آثار کم است و توقع می‌رود متولیان فرهنگی و ناشران از نویسندگان حمایت کنند. منابع دست‌اول که بیشتر آن‌ها عربی است در اختیار نویسندگان قرار دهند. نویسندگان کودک و نوجوان خیلی علاقه دارند در این زمینه کار کنند. قطعاً در این صورت آثار خوبمان بسیار بیشتر از این می‌شود و پاسخگوی جمعیت بیش از ۲۰میلیون کودک و نوجوان کشور خواهد بود.

زویای مختلف زندگی حضرت رسول‌الله(ص) از تولد تا رحلت با نگاه جدید، نثر جذاب و امروزی، داستان نوشتند که مجموعه قشگی بود. «خداحافظ مدینه» یکی از جلدهای این مجموعه است که من آن را نوشتم.

### ♦ نویسندگان کودک و نوجوان ما چطور باید نویسند که هم به متون و واقعیت‌های تاریخی پایبند باشند و هم از تخیل و سایر عناصر داستانی بهره بگیرند تا مخاطب را جذب کنند؟

نوشتن در حوزه دین برای نویسنده سخت است. او اگر بخواهد هم به اصل متون مستند تاریخی وفادار باشد و هم بتواند قسه به‌روز بنویسد، یعنی طوری قسه دینی را برای مخاطب کودک و نوجوان بازآفرینی یا بازنویسی کند که باورپذیر باشد، خیلی باید تلاش کند. ما نویسندگان مذهبی‌نویس معتقدیم در مورد انمه(ع) باید حتماً مطابق آثار و متون مستند و منابع دقیق و معتبر شیعی یا مورد قبول علما و دانشمندان شیعه کار کنیم و هیچ‌گاه اجازه وقتی به دست سخنان، حالات و رفتار انمه(ع) تفسیری ایجاد کنیم.

ما می‌توانیم از آنچه در منابع معتبر و مستند آمده به شکل داستانی و فضاسازی و در طرح‌های داستانی خوب و جذاب استفاده کنیم. البته در مورد شخصیت‌های اسلامی غیر از معصومین، از فضاهای تخیلی که به اصل داستان ضربه نزند هم می‌توان استفاده کرد.

هر نویسنده‌ای نمی‌تواند وارد این وادی شود، چون باید به اصل متن وفادار باشد، از آن سو باید پیچیدگی داستانی که برای بچه‌ها جذاب



تیراژهای متنوع و… خیلی موفق هستند، شکل‌های جدید چاپ و کاغذ و نوع انتشار و… و برندهای خوب در اختیار کشورهایی مثل لبنان، ترکیه و مصر قرار دارد، ولی از جهت محتوا و تصویرگری کتاب کودک و نوجوان، نویسندگان و شاعران ما کمتر از آن‌ها نیستند. ما آثار خیلی برجسته‌ای داریم، البته نیاز است کیفیت و کمیت کتاب‌های ما بالا برود، یعنی با تیراژ و با کیفیت بیشتر از جهت نوع کاغذ و چاپ، به دست مخاطبان برسد.

### ♦ در این کشورها برای بالا بردن فرهنگ مطالعه چه اقداماتی انجام می‌دهند؟

بحث بالا بردن میزان مطالعه جامعه پیچیدگی‌های زیادی دارد. نمی‌توان به سهولت گفت مردم کتاب بخوانند یا سبب مطالعه باید در خانواده فلان مقدار شود. ما باید کاستی‌ها را ضعف‌ها را ببینیم و بررسی کنیم که مثلاً روزنامه‌ها و مجلات چگونه باید مخاطب کودک و نوجوان را تشویق کنند که بیشتر کتاب بخوانند. فضای مجازی لطمه جدی زده و وقت، حوصله و فکر بچه‌ها را اشغال کرده که دیگر فضای برای کتاب باقی نمی‌ماند.

منظورم این است که باید با حوصله و دقت ببینیم کمبودها و کاستی‌ها چه هستند و چگونه مردم تشویق می‌شوند که بیشتر مطالعه کنند.

### ♦ برای کتابخوان‌شدن بچه‌ها چه پیشنهادی دارید؟

برای بچه‌ها نقش آموزش و پرورش خیلی مهم است، باید زنگی برای کتاب‌خوانی در مدارس باشد و یا کتاب‌هایی با تخفیف به بچه‌ها فروخته شود. به بچه‌ها فرصت دهیم کتاب‌ها را تحلیل کنند، در موردش بنویسند و خلاصه‌نویسی کنند. خلاصه‌نویسی کتاب خیلی خوب است.

اگر در مدارس این موارد باشد، بچه‌ها از همان ابتدا بیشتر تشویق می‌شوند، چون بیرون از مدرسه، در خانه و کوچه و محله این‌قدر به بچه‌ها دسترسی نداریم. اگر از مدرسه شروع کنیم و با بچه‌ها کار کنیم، قطعاً نتیجه بهتری می‌گیریم و وقتی بزرگ‌تر شدند با همت و تلاش بیشتری سراغ کتاب‌های خوبی می‌روند و درص

مطالعه و کتاب‌خوانی آن‌ها بالاتر می‌رود. اگر حمایت از نویسندگان بیشتر باشد، آثار خوب بیشتر خواهد شد و مردم هم کتابخوان‌تر خواهند شد.

### ♦ در صدا و سیما معمولاً به کتاب‌های دینی توجه نمی‌شود. منظورم در بخش‌هایی مثل قصه‌خوانی برای بچه‌هاست. جهت‌دهی به معرفی کتاب در این رسانه‌ها چه تأثیری در آشنایی بچه‌ها با آثار مذهبی و ایرانی دارد؟

کتاب‌های خوبی در این زمینه وجود دارد که توسط ناشران معتبری مثل نیستان، سوره مهر، کانون پرورش فکری، قدیانی و… منتشر شده‌اند که برای قصه‌گویی در رادیو و تلویزیون و قالب‌هایی مثل پویانمایی، ساخت فیلم و… در آن انجام شده است. من بعضی از آثار را مناسب است. به یاد می‌آورم آقای مصطفی رحماندوست کار کودکانه‌ای به اسم پیامبر و بچه‌ها داشتند که قصه‌های کوتاه از زندگی پیامبر و بچه‌ها بود و تأثیر خودش را هم داشت. البته من انتقادی از شبکه پویا ندارم، آن‌ها تلاش خودشان را می‌کنند و کارهای خوبی در آن انجام شده است. من بعضی از آثار را مناسب است. به یاد می‌آورم آقای مصطفی رحماندوست کار کودکانه‌ای به اسم پیامبر و بچه‌ها داشتند که قصه‌های کوتاه از زندگی پیامبر و بچه‌ها بود و تأثیر خودش را هم داشت.

♦ **شما به کشورهای دیگر به‌خصوص کشورهای عربی و مسلمان‌نشین مثل ترکیه و مصر سفرهای زیادی داشته‌اید. در حوزه بزرگسال این کشورها ادبیات قوی و نویسندگانی با مخاطبان جهانی دارند. در ادبیات کودک چه تجربه مثبتی در آن کشورها دیدید که برایتان جالب بود؟** این کشورها، در شکل و فرم کتاب، نوع چاپ،

### چاپ چهار مجموعه داستان جدید از «سوره مهر»

**سوره مهر:** به تازگی چهار مجموعه داستان «خیابانی که حوصله‌اش سر رفت»، «کت و شلوار بازیگری من»، «جوجه عمرابه» و «عکاس‌یاشی» با آثاری از نویسندگان متعدد منتشر شده است.

هر کتاب از این مجموعه داستان‌ها شامل ۱۵ داستان از ۱۵ نویسنده مختلف در ژانرها و تم‌های گوناگون است.

درونمایه و مضامین این داستان‌ها مختلف هستند و موضوعاتی چون جنگ تحمیلی، انقلاب‌اسلامی، روستا و… را شامل می‌شود و ضمن اینکه داستان‌ها گرچه ویژه گروه سنی نوجوان است، اما می‌تواند برای مخاطب بزرگسال نیز حس نوستالژی داشته باشد.

گفتنی است؛ این مجموعه چهار جلدی با داستان‌هایی از محسن مؤمنی شریف، محمد حمزه‌زاده، فرهاد حسن‌زاده، داوود امیریان، مهدی میرکیایی، معصومه عیوضی، یعقوب آژند، داریوش عابدی، هدی حدادی، سعیده موسوی‌زاده، یوسف قورچی، مهناز فتاحی، علی‌اکبر ولایی، ابراهیم حسن‌بیگی، عبدالمجید نجفی، زهرا حیدری، اکبر صحرایی و دیگر نویسندگان، منتشر شده است.

## تازه‌های نشر

### قصه عشق «ایزدبیک» و «شمیسا»

**صاد:** کتاب «یات مس» نوشته محبوبه زارع از سوی نشر صاد منتشر شد. این اثر، داستان بلندی است که اتفاقاتش در بستر تاریخ اسلام، در سال ۶۱هجری قمری می‌گذرد. قصه عشق سرکشانه پسر ایزدبیک به دختری به نام شمیسا که هر دو زرتشتی مذهب هستند. دختر به قتل ایزدبیک محکوم می‌شود و در آستانه ناپیایی کامل هم قرار می‌گیرد، اما خوابی زندگی‌اش را تغییر می‌دهد. او باید یک نقاشی بسیار ویژه بکشد.

محبوبه زارع، نویسنده مجموعه پنج جلدی «قهرمانان کوچک کرپلا» است که با بیانی عاطفی، به معرفی شخصیت‌های کوچک واقعه بزرگ کرپلا می‌پردازد. در خلاصه داستان این کتاب آمده است:«هورا فرزند یکی از بزرگان ایران است که خود را سرگشته می‌بیند و به دنبال راهی برای نجات خودش است. در این میان می‌شود کسی در سفر به سرزمین حجاز این پیامبر تازه را دیده است. به سراغش می‌رود و کمک می‌خواهد. کسی امورا را راهنمایی نمی‌کند تا اینکه به این فکر می‌افتد خودش راهی پیدا کند».

نسخه الکترونیکی کتاب را می‌توانید در طاقچه تهیه کنید.

## پشت ویترین

گفت‌وگو با گلمرادی به انگیزه انتشار «چو گلدان خالی»

# ادای احترام به قیصر

**ایبنا:** قیصر امین‌پور، استاد دانشگاه تهران، چهره ماندگار، شاعر و نویسنده فقید روزگار ما، یکی از کسانی است که هیچ‌گاه از یاد شاگردان و خوانندگان آثارش نمی‌رود. به مناسبت سالروز درگذشت او، هشتم آبان ماه، با شیرین‌علی‌گلمرادی گفت‌وگویی انجام دادیم که کتابی را به این مناسبت منتشر کرده است.

شیرین‌علی گلمرادی از شاعران معاصر ماست که بیشتر در زمینه ادبیات‌بایداری فعالیت کرده و سروده است. به تازگی کتابی با عنوان «چو گلدان خالی» از او منتشر شده است. این کتاب که نام آن از یکی از اشعار قیصر امین‌پور برگرفته شده، به

